



به بهانه برگزاری اجلاس «AWID» در کیپ تاون آفریقای جنوبی

باید بدانیم در کجای جهان ایستاده ایم / گفتگو با آسیه امینی

* * * * *

خانم امینی با چه انتظاری به این گردهمایی رفتید؟

ما باید بدانیم در کجای جهان ایستاده ایم. انتظار من دانستن و شناختن این موضوع بود. باید مسائل بومی امان را اول در منطقه یا جامعه ای که در آن زندگی می کنیم بشناسیم، کالبد شکافی و تحلیل کنیم و بعد برای روبرو شدن با آن یا تغییرش تلاش کنیم. شرکت کردن در کنفرانس های جهانی مربوط به زنان، راهی برای این است که هم با مسائل زنان دیگر آشنا شویم، و هم مسائل خودمان را جهانی کنیم. از نظر منطق ریاضی و فلسفی- هر دو- این یک راه حل قیاسی است. دنیای امروز را نمی شود با بستن در و پنجره اداره کرد و زنان باید بتوانند مسائلمان را مدیریت کنند. در واقع همه کسانی که در جنبش های زنان فعال هستند، با انگیزه مدیریت وضع موجودشان، قدم به این حوزه گذاشته اند. تغییر دادن یا تغییر خواستن شرایط موجود، خودش سهیم شدن در مدیریت مساله است.

همه ما برای این مدیریت، به ابزار شناخت نیاز داریم و یکی از راه های دارا شدن ابزار شناخت، تطبیق موضوعات و مسائل، با موضوعات و مسائل زنان دیگر در کشورهای دیگر است.

یا همان طور که در ابتدا گفتم دانستن این مساله که در کجای جهان ایستاده ایم. مسائل مشترکمان با زنان دیگر چیست؟ تفاوتهايمان کدام است؟ تجربه های آنها و تجربه های ما در مواجهه با پدیده های روبرویمان چه بوده است؟ و....

آیا مابین فعالان جنبش زنان ایران و فعالان دیگر کشورها پیوندهایی موجود است؟

قطعاً. مهمترین فصل مشترک ما زن بودنمان است. به جز آن، با وجود همه استدلالهای علمی و غیر علمی که شنیده و خوانده ام، هنوز نمی دانم چرا پدرسالاری و مرد سالاری، یک رسم جهانی در طول تاریخ بوده است که تقریباً همه جوامع در برهه ای از تاریخ و بسیاری از آنها در زمان معاصر نیز، درگیر آن بوده و هستند. پاسخهای بسیاری به این سوال داده شده ولی هنوز و همچنان من بشخصه متقاعد نشده ام.

این را گفتم که بگویم این درد مشترک نیز، بسیاری از زنان را که در جوامع مشترک با رنگ و نژاد و فرهنگ و زبان مختلف زندگی می کنند، دارای "مساله مشترک" می کند.

قوانینی که ریشه در آداب و رسوم و فرهنگ مشترک دارند، نظم نوین جهانی و مسائل پیامد آن، اقتصاد جهانی، بیماری هایی که با جنسیت رابطه مستقیم دارند، ارتباطات و بسیاری از مسائل دیگر باعث شده که ما "مساله های مشترک" مان هر روز به هم نزدیک و نزدیکتر شود. بگونه ای که تو وقتی پای صحبت یک زن آفریقایی می نشینی، حرفش را با همه وجود درک می کنی. و این اتفاق برای هندی و امریکای لاتینی و لهستانی هم می افتد. اگر جواب را خلاصه کنم باید بگویم که مساله های مشترک آن قدر زیاد است که در نوشتن از آنها کم می آورم.

به نظر شما شرکت در این نوع گردهمایی ها چه تاثیری بر روی شکل و محتوای جنبش زنان در ایران، منطقه و در جهان می تواند بگذارد؟

همانطور که گفتم مساله زنان، یک مساله جهانی و بلکه تاریخی است. کشور ما هم از این قاعده مستثنا نیست. قرار گرفتن در مسیر همکاری و همفکری بین المللی برای ما راه های تازه ای خواهد گشود. هم تجربه های دیگران برای ما مفید است و هم معرفی مسائلی که خاص جامعه ماست، باعث می شود که دیگران را متوجه این نقطه از جهان کنیم؛ نقطه ای که اگر تلاش زنان نباشد، به

خاطر زبان مهجور و فرهنگی که زیر آوار مسائل سیاسی، قرار گرفته، به چشم نمی آید. جغرافیای سیاسی، زبان و تاریخ معاصرمان، ما را در جهان، در جزیره ای تنها قرار داده. ما باید از این جزیره خارج شویم وگرنه قربانی شرایط زمانی و مکانی مان خواهیم بود. گفت و گو با دنیای بیرون، راه های تازه ای را باز می کند. اصلا نگاه ما را به مسائلمان عوض می کند. دانستن اینکه کسانی در جای جای گیتی مثل تو فکر می کنند و خواهان کمک به تو هستند، جدا از قوت قلب و امید و حمایت، توان می بخشد. این توان هم در تجربه ها و دانش آنهاست و هم در تقسیم امکانات. که البته در مورد این قسمت دوم که اتفاقا در کنفرانس هم سمینارهایی را به خود اختصاص داد، کشور ما بسیار ناتوان و محروم است. زنان ما در گروه های اجتماعی و فرهنگی کمترین حمایت های ساختاری (مثل سازمان سازی و آموزش و ...) و مالی را از منابع تخصیص داده شده به زنان از سوی منابع بین المللی دریافت داشته و می دارند. و البته این، به خاطر نگاه سیاسی و حتا اجتماعی است که به نسبت به این موضوع وجود دارد. آیا این نوع از گردهمایی ها می تواند تاثیری بر روی دولت ها و صاحبان قدرت و همچنین تصمیمات آنها در وضع قوانین در جهت بهبود موقعیت زنان داشته باشد؟

امیدواریم که داشته باشد! در واقع این موضوع، از یکسو بستگی به توان تحلیلی آنها دارد و از سوی دیگر یادمان نرود که حق، گرفتاری است. کمتر قدرتی تمایل به تغییر شرایط تحت حکومتش را دارد. زیرا تغییر در حقوق، یعنی تغییر در مناسبات قدرت. قدرتی که می گویم الزاما قدرت سیاسی نیست. نظام اجتماعی هم می تواند باشد. زنان با برابرخواهی، دارند معادله قدرت را به هم می ریزند و سهم خود را طلب می کنند. طبیعتا این موضوع با مقاومت روبرو خواهد بود. حالا اگر یک حاکمیتی، اقتدارش برپایه حقوق برابر باشد، از این فرصت برای اقتدار بیشتر خودش استفاده می کند و اگر حاکمیتی بر پایه قدرت مطلق یا حقوق نابرابر استوار بود، در برابر این خواست زنان مقاومت می کند.

آیا ویژگی های هر کشوری در چنین گردهمایی هایی، محلی برای طرح و بررسی شدن خواهند یافت، یا اینکه تنها نکات مشترک است که مورد توجه قرار خواهند گرفت؟

یکی از نکات قوت کنفرانس به نظر من همین توجه به مسائل خیلی بومی است. همان قدر که مسائل کلان و عمومی و نیز مسائل پایه ای مورد توجه قرار می گیرد، مشکلات بومی نیز در نشست های کوچکتر مورد بررسی و بازگویی قرار می گیرد که با پرسش و پاسخ همراه است.

چه چیزی در کوله بارستان از کیپ تاون برای فعالین جنبش زنان با خود به ایران همراه آوردید؟

تجربه. چیزی که ما بیش از هر چیزی به آن نیاز داریم